



این بار مقصد خود خانه است

روایت رفتن، ماندن، بازگشت

فصلنامه علمی-فرهنگی آویژه
شماره 13- پاییز 1404



بعضی از چیزها

تنها از دور ظاهر آرام و زیبا دارند

و انسان برای نزدیک شدن به آنها نباید پافشاری کند

مثل عشق

سیاست

و مهاجرت...

من بر آسمان خراش ها پرنده های مهاجر زیادی دیده ام

که چشم هایشان پر از اشک بود!



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه فرهنگی آویژه

شماره ۱۳ پاییز ۱۴۰۴

شماره مجوز: ۴۷۷-۶-۹۸

فهرست

فرهنگی:

قصه ما، قصه ساختن است، نه رفتن / ۳

قدرت پنهان همبستگی / ۵

فرار اندیشه، فرسایش وطن / ۹

نقش دگرگونی‌های هویتی در فرایند مهاجرت و
سازگاری فرهنگی ایرانیان مهاجر / ۱۳

ایران نوآورانه در گذر زمان / ۱۷

خانه ای در خیال / ۲۱

استارت‌آپ‌های ایرانی؛ امیدی برای جلوگیری از
مهاجرت نسل جوان / ۲۳

از خودباوری تا پیشرفت / ۲۷

در مسیر فرار / ۳۱

مهاجرت در مقیاس کوتاه / ۳۴

سفر بی پایان / ۳۶



شناسنامه

صاحب امتیاز: مریم مختاری

مدیر مسئول: مریم مختاری

سرمدیر: روژین اسمعیلی

دبیر اجرایی: مهسا جزینی

طراح جلد و اینفوگرافیک: مریم مختاری

ویراست ادبی: مهدیه ممتاز، فاطمه ممتاز

صفحه آرا: ستایش طاهری

هیأت تحریریه: مریم مختاری، روژین اسمعیلی، فاطمه کریملو، زهرا رضانی، امیرارسلان نوری، آرین دهقان، زهرا قاسمی، پرستو بهشتی

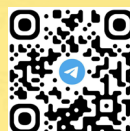
تشکر از:

خانم دکتر فرشته زمانی علویچه

خانم دکتر زهره فتحیان دستگردی

خانم دکتر بتول سلطانی و خانم مریم مظاهری

راه ارتباطی: avizheh724@gmail.com





سرمقاله



در سال‌هایی که واژه‌ی «مهاجرت» به یکی از پرتکرارترین دغدغه‌های نسل جوان بدل شده، ضرورت دارد درباره‌ی روی دیگر این واقعیت نیز سخن گفته شود؛ درباره‌ی کسانی که تصمیم گرفته‌اند **بمانند** و برای ساختن آینده‌ای بهتر تلاش کنند. این شماره از نشریه، تلاشی است برای فهم و بازنمایی همین انتخاب آگاهانه.

در پرونده‌ها و یادداشت‌های پیش‌رو، «ماندن» نه به عنوان انفعال، بلکه به مثابه کنش اجتماعی، فرهنگی و علمی مورد توجه قرار گرفته است. ماندن، یعنی باور به ظرفیت‌های نهفته در جامعه ایرانی و سرمایه‌ی انسانی آن؛ همان نیرویی که می‌تواند مسیر پیشرفت کشور را در میانه‌ی بحران‌ها هموار کند.

پرونده‌ی ویژه این شماره، با عنوان «**قدرت پنهان همبستگی ایرانی‌ها در بحران‌ها**»، به بازشناسی همان سرمایه‌ی اجتماعی می‌پردازد که در بزرگه‌های تاریخی، جامعه‌ی ایران را از فروپاشی بازداشته است. این همبستگی، ریشه در فرهنگ، دین و تجربه‌ی تاریخی ملت ایران دارد و می‌تواند بنیان‌گذار شکل تازه‌ای از اعتماد و همدلی ملی باشد.

در یادداشت‌های مرتبط با موضوع مهاجرت و هویت، تلاش شده است چرایی تصمیم به ماندن یا رفتن در میان نسل جدید بررسی شود؛ از نقش هویت فرهنگی در انتخاب‌ها تا نگاه نسل دوم مهاجران به ایران. در بخش علمی و اقتصادی نیز گزارش‌هایی درباره‌ی پیشرفت‌های فناورانه، رشد استارت‌آپ‌ها، و ظرفیت‌های نوآوری ارائه شده است تا نشان داده شود که چشم‌انداز ایران در مسیر توسعه، همچنان روشن و قابل اتکا است.

در نهایت، آنچه بیش از هر چیز در این شماره بر آن تأکید داریم، ضرورت باز تعریف امید در بستر وقایع امروز ایران است. امید، نه به معنای چشم‌پوشی از دشواری‌ها، بلکه به منزله‌ی داشتن نیرویی برای مواجهه‌ی فعال و خلاق با آن‌ها. جامعه‌ای که بتواند از بحران‌ها درس بگیرد، از تجربه‌های جمعی خود بهره‌برد و بر پایه سرمایه‌ی انسانی و فرهنگی خویش تصمیم‌های آگاهانه بگیرد، آینده‌ای پایدار خواهد ساخت.

نسل جوان ایران، چه آنان که مانده‌اند و چه آنان که دل در گرو بازگشت دارند، حامل همین نیرو و امید سازنده‌اند؛ نیرویی که اگر با اعتماد، عدالت و فرصت همراه شود، می‌تواند مسیر توسعه‌ی کشور را هموار کند و امیدی که اگر تقویت شود، از دل بحران‌ها، آینده‌ای تازه می‌سازد.

ایران هنوز می‌تواند، اگر ما بخواهیم و بمانیم.



روژین اسمعیلی
سردبیر نشریه‌ی آویژه





هر نسلی قصه‌ای برای تاریخ می‌نویسد قصه ما، قصه ساختن است. نه رفتن

نویسنده و رشته تحصیلی: فاطمه کریملو - دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی ترم ۷

راه ارتباطی: Fatemeh.karimloo2000@gmail.com



این امید ساده لوحانه نیست. بر اساس تحقیق منتشر شده در ResearchGate 2023 بسیاری از همین جوانان کاملاً آگاهند که مسیر پیشرفت در ایران همیشه آسان نیست؛ اما می‌گویند: «سخت بودن، به معنای ناممکن بودن نیست». آن‌ها در حوزه‌هایی مثل کارآفرینی، فناوری، بهداشت،

چرا بعضی جوانان، به جای مهاجرت، تصمیم می‌گیرند «ایران را بسازند»؟

در دورانی که مهاجرت تبدیل به واژه‌ای پررنگ در گفتگوهای روزانه شده، شاید عجیب به نظر برسد که هنوز گروهی از جوانان ایرانی تصمیم می‌گیرند بمانند. اما واقعیت این است که انتخاب این جوانان تنها از سر احساس نیست؛ پشت آن دلایل اجتماعی، فرهنگی و حتی علمی وجود دارد.

مطالعات جدید در مجلات علمی بین‌المللی مانند Springer 2023 و Middle East Institute نشان می‌دهد که بخشی از نسل جوان ایران، کشور را «سرزمینی در حال رشد» می‌بیند. آن‌ها باور دارند که ایران فقط مجموعه‌ای از مشکلات نیست بلکه مجموعه‌ای از فرصت‌ها نیز هست. فرصتی برای ساختن، برای خلاقیت، برای رشد فردی و جمعی. پژوهشگران اجتماعی این گروه را «سازندگان آینده» توصیف می‌کنند؛ افرادی که به جای ترک خانه، به تعمیر آن فکر می‌کنند.





محیط‌زیست و فعالیت‌های داوطلبانه نشان داده‌اند که حتی در شرایط پیچیده، می‌توان تغییر ایجاد کرد، کوچک اما واقعی.

در نگاه آن‌ها ایران فقط یک محل جغرافیایی نیست؛ «ریشه» است. ریشه‌ای که با زبان، خانواده، فرهنگ و خاطره گره خورده. برای همین، ماندن برایشان تنها انتخاب احساسی نیست؛ یک تصمیم هویتی است. آن‌ها کشورشان را نه «بی‌ارزش»، بلکه «قابل بهتر شدن» می‌بینند و همین نگاه، انگیزه‌ای قدرتمند برای تلاش است.

شاید راز این ماندن همین باشد: امیدی آرام، منطقی و مقاوم. نسلی که واقعیت‌ها را می‌بیند، اما در آن‌ها زندانی نمی‌شود. نسلی که بهجای انتظار برای تغییر از بیرون، تصمیم گرفته در دل همین خاک بایستد و سهم خودش را در آینده این سرزمین بگذارد.

هر نسلی قصه‌ای برای تاریخ می‌نویسد؛ قصه ما، قصه ساختن است، نه رفتن و شاید همین جمله، خلاصه‌ای از دلیل ماندن باشد.

منابع :





قدرت پنهان همبستگی

روایت ایران و ایرانی در مواجهه با بحران

نویسنده و رشته تحصیلی: روژین اسمعیلی - دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی

راه ارتباطی: Rozhin.esmaeili82@gmail.com



چرا در بحران‌ها، اصطلاحا ایرانی‌تر می‌شویم؟

ایران جامعه‌ای است که به‌ظاهر با چالش‌های فراوان در حوزه اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی مواجه است اما در موقعیت‌های بحرانی، ناگهان همان مردم با واکنشی جمعی و هماهنگ ظاهر می‌شوند. این پدیده را جامعه‌شناسان نوعی همبستگی بازتابی یا احیاشونده می‌نامند.

دکتر غلام عباس توسلی در آثارش دربارهٔ سرمایه اجتماعی تاکید می‌کند که همبستگی اجتماعی، اگرچه ممکن است در ساختارهای رسمی ضعیف باشد اما در لایه‌های فرهنگی و روابط سنتی جامعه ایرانی ریشه عمیق دارد. نهادهایی مانند خانواده گسترده، محله محوری، آیینهای مذهبی و سنتهای یاریرسانی (نذر، قرض الحسنه) شبکه‌هایی از اعتماد و تعاون ایجاد کرده‌اند که در بحرانها فعال میشوند.

از منظر روانشناسی اجتماعی نیز، بحران‌ها نوعی بازگشت به هویت جمعی ایجاد میکنند. وقتی خطر مشترک تهدید می‌کند، افراد به «ما» مشترک پناه می‌برند. در ایران، این «ما» معنا و قدرت تاریخی دارد. «ما ملت مقاومتی هستیم»

وقتی بحران، مردم ایران را به هم نزدیکتر میکند.

در روزگار پراشتهاب و بی‌ثبات امروزه، گاهی یک حادثه ناگهانی تمام مرزهای فاصله و بی‌اعتمادی را فرو میریزد. زلزله، سیل، بیماری یا حتی بحران‌های اقتصادی، اگر چه با درد و رنج همراهند اما در همانحال چیزی را در دل جامعه بیدار می‌کنند که در روزهای عادی کمتر پیداست و آن روح جمعی ایرانیهاست.

تاریخ معاصر ما پر است از لحظاتی که ملت ایران در اوج ناامیدی، همچنان استوار ایستاده است. از روزهای سخت جنگ تحمیلی تا بحران کرونا، از زلزله بم تا سیل گلستان و حتی جنگ ۱۲ روزه با رژیم غاصب صهیونیستی، همیشه در لحظه‌های تاریک، نوری از همبستگی در میان مردم دیده میشود. این نور، همان سرمایه پنهان اجتماعی ماست. نیرویی که شاید در ساختار رسمی نهادها دیده نشود، اما در دل مردم جاری است. پروندهٔ پیشرو، نگاهی به این «قدرت پنهان» دارد. نیرویی که هر بار در دل بحران‌ها شکوفا میشود و یادمان می‌آورد که جامعه ایرانی، هنوز زنده، با احساس، استوار و همدل است.

یادداشت تحلیلی از بعد جامعه‌شناختی



در هر بحران، مردم ایران نشان داده‌اند که نیروی نجات و همبستگی، از دل و هویتشان نشأت می‌گیرد. کمک‌های مردمی، حضور داوطلبان و حتی لبخندهای ساده در میان ویرانی، تصویر زنده‌ای از ملت‌ای است که شاید خسته، اما هنوز با هم است.

بخش فرهنگی و تاریخی

همبستگی در رگ‌های تاریخ ایران.

از دوران اسطوره‌های ایران تا امروز، روح جمعی و یاریرسانی بخشی از هویت ما بوده است. در شاهنامه، یاران رستم هرگز در سختی تنها نمی‌مانند. در قیام کاوه آهنگر، اتحاد مردم علیه ظلم معنا می‌گیرد. در تاریخ معاصر نیز، از نهضت مشروطه تا روزهای مقاومت در جنگ تحمیلی، «با هم بودن» رمز بقا بوده است.

در آیینهای مردمی، این همبستگی نهادینه شده که موارد آن شامل نذر و وقف، آیین همسایهداری و کارهای جمعی و حتی تعزیه و عزاداری محرم که همگی نمادی از احساس



«ما با هم دوام می‌آوریم». چنین بازنمایی‌هایی، نوعی انرژی نمادین تولید میکند که در عمل، به شکل کمک‌های مردمی، تشکیل گروه‌های داوطلبانه و حتی همدلی‌های ساده در سطح کوچه و محله نمود می‌یابد.

از زلزله بم تا کرونا، شواهد متعدد نشان می‌دهد که جامعه ایرانی گرچه در زمانهای آرامش پراکنده است اما در بحران، به‌طرز شگفتانگیزی یکپارچه می‌شود. راز این امر، در همان «سرمایه اجتماعی پنهان» است که برخاسته از تاریخ، فرهنگ، و دین است. سرمایه‌های که اگر در زمانهای عادی نیز تقویت شود، میتواند زیربنای توسعه و اعتماد عمومی باشد.

گزارش میدانی

وقتی شهر لرزید، مردم ایستادند.

بم، دی ۱۳۸۲ شهر زیرورو شده بود، اما هنوز بوی نان داغ از یکی از کوچه‌ها می‌آمد. مردی که ناوایش ویران شده بود، تنور را از زیر آوار بیرون کشیده و در همان صبح سرد، نان رایگان پخش میکرد. میگفت خدا به ما رحم کرد، ما هم باید به هم رحم کنیم. کرمانشاه، زلزله ۱۳۹۶ درست در لحظاتی که شبکه‌های خبری از کمبود امداد سخن میگفتند، کامیون‌های مردمی از سراسر کشور به سمت غرب ایران در حرکت بودند. روی یکی از کامیونها نوشته بودند از تبریز تا سرپل ذهاب، دل‌ها یکی است.

کرونا، ۱۳۹۸-۱۴۰۱ در روزهایی که ترس و قرنطینه حاکم بود، کارگاه‌های خانگی ماسکدوزی، پوششهای «همسایه من تنها نیست» و نذر سلامتی، دوباره مفهوم یاری را زنده کرد. پزشکان داوطلب، رانندگان آمبولانس و مردم عادی در شبکه‌ای خودجوش به هم پیوستند.

ایران، تابستان ۱۴۰۴ دوازده روز بود که صدای پدافند و پهبادهای دشمن از آسمان شهرهای ایران جدا نمی‌شد. شیشه‌هایی که ترک خورده بودند و مردمی که خانه‌های خود را رها نمی‌کردند. در یکی از محله‌های شرق تهران، پیرزنی با روسری گلدارش روی پله‌های خانه نشسته بود و قابلمه‌ای از آش نذری جلویش می‌جوشید. برای همسایه‌هایی می‌پخت که شب قبل خانه‌هایشان مورد اثابت پهباد قرار گرفته بود. می‌گفت ایران و ایرانی ترس نمیشناسه تا وقتی که در کنار هم هستیم. در بین گردوغبار دوباره همان حس قدیمی زنده شده بود. اینکه در سختی، دل ایرانی‌ها هنوز به هم گرم است.



پنهان همبستگی ایرانیان، نه فقط در زمان بحران، بلکه می‌تواند در ساختن آینده نیز اثرگذار باشد. همان نیرویی که ویرانه را آباد کرد، میتواند جامعه‌های تازه بسازد.

منابع :



مشترک و همدلی عمیق در بین ملت است.

در همه این جلوه‌ها، تنها یک اصل تکرار میشود و آن این است که انسان ایرانی، در مواجهه با رنج، تنها نیست. این تاریخ فرهنگی، همان ریشه‌های است که هر بار در بحرانها دوباره سر برمی‌آورد و وجود خود را اثبات میکند.

یادداشت پایانی

چطور این قدرت پنهان را بیدار نگه داریم؟

بحران‌ها می‌گذرند، اما آنچه میماند تجربه مشترک انسانها از با هم بودن است. اگر این تجربه‌ها مستندسازی، آموزش و تقویت نشوند، سرمایه اجتماعی دوباره فرسوده میشود. برای حفظ و گسترش همبستگی اجتماعی باید به آموزش جمع‌گرایی مفید از کودکی (در مدرسه و خانواده) توجه شود. همچنین رسانه‌ها روایتگر امید باشند، نه صرفاً بحران. در کنار آن نهادهای مدنی و محلی تقویت شوند تا در زمان عادی نیز حس همکاری زنده بماند و فرهنگ گفت‌وگو و اعتماد در سطوح مختلف اجتماعی تمرین شود. قدرت

وقتی بحران، ایرانی‌ها را به هم نزدیک‌تر می‌کند

شواهد میدانی همبستگی

- بم ۱۳۸۲: «خدا رحم کرد؛ ما هم باید به هم رحم کنیم»
- کرمانشاه ۱۳۹۶: از تبریز تا سرپل‌ذهاب یک دل
- کرونا: «همسایه من تنها نیست»
- جنگ ۱۲ روزه ۱۴۰۴: «تا کنار همیم؛ ترس نداریم»



چرا در بحران‌ها، «ایرانی‌تر» می‌شویم؟

- جامعه‌شناسی: همبستگی رسمی ضعیف؛ همبستگی فرهنگی و خویشاوندی بسیار قوی.

- روان‌شناسی اجتماعی: تهدید مشترک → فعال‌سازی «ما» این «ما» ریشه تاریخی دارد: «ملت مقاوم»



ریشه فرهنگی و تاریخی

- شاهنامه: یاران رستم، کاوه
- تاریخ معاصر: مشروطه / دفاع مقدس
- آیین‌ها: نذر، وقف، محرم، کار جمعی

در رنج، ایرانی تنها نمی‌ماند. این راز ماندگاری هویت ماست.



همبستگی ایرانی فقط برای بحران نیست؛ سوخت ساختن آینده است.

در لحظه‌های سخت از زلزله و جنگ تا کرونا و بحران اقتصادی یک انرژی جمعی بیدار می‌شود:

اعتماد / یاری / امید

همان سرمایه اجتماعی ایرانی



چطور این قدرت پنهان را دائمی کنیم؟

1. آموزش کار جمعی از کودکی
2. روایت‌گری امید در رسانه
3. تقویت نهادهای محلی و مدنی
4. تمرین گفت‌وگو → افزایش اعتماد روزمره





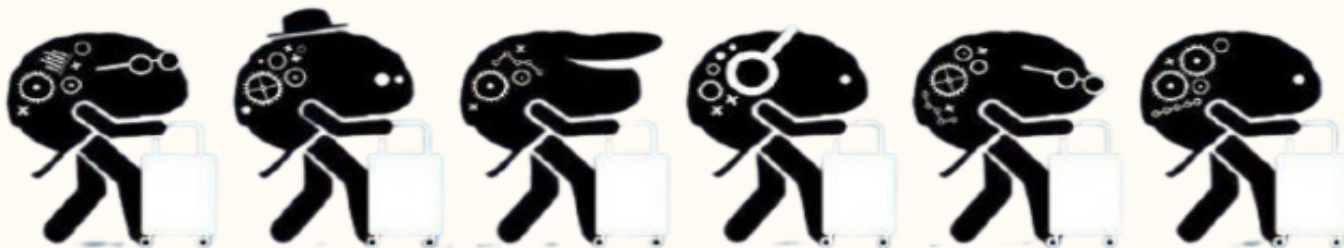
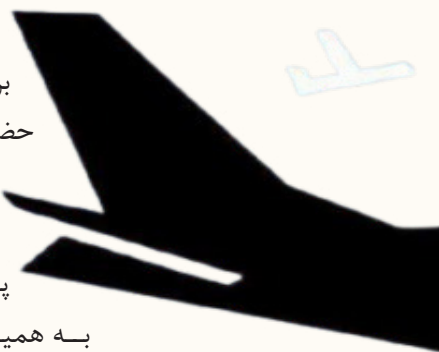
فرار اندیشه، فرسایش وطن

نویسنده و رشته تحصیلی: زهرا رضانی - کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقا سلامت
راه ارتباطی: zzramezani1997@gmail.com



بسیاری از کشورها، سیاست‌های خود را نه بر پایه استخراج منابع زیرزمینی بلکه بر مبنای «استخراج استعدادها» طراحی کرده‌اند. سرمایه انسانی مفهومی فراتر از صرف نیروی کار است. این سرمایه مجموعه‌ای از دانش، مهارت، تجربه، خلاقیت، ارزش‌های اخلاقی و روحیه مسئولیت‌پذیری است که در وجود انسان‌ها تجسم یافته است. کشوری که بتواند زمینه بروز و شکوفایی این ظرفیت‌ها را فراهم کند در واقع به غنی‌ترین شکل ممکن در حال سرمایه‌گذاری برای آینده خویش است. نظام‌های آموزشی کارآمد، فضای علمی پویا، حمایت از پژوهش، امنیت شغلی، آزادی اندیشه و امکان رشد اجتماعی از مهم‌ترین بسترهایی هستند که سبب تقویت و نگهداشت این سرمایه‌ها می‌شوند اما واقعیت تلخ آن است که در بسیاری از

در جهان امروز که دانایی و تخصص جایگزین منابع سنتی قدرت و ثروت شده‌اند، سرمایه انسانی به‌عنوان ارزشمندترین دارایی هر کشور شناخته می‌شود. توسعه‌ی پایدار، رشد اقتصادی، نوآوری‌های علمی و ارتقای کیفیت زندگی، همگی در گرو پرورش و حفظ نیروی انسانی متخصص، متعهد و خلاق است. هیچ جامعه‌ای هر اندازه هم که از منابع طبیعی، ثروت مادی یا موقعیت جغرافیایی برخوردار باشد، بدون حضور و مشارکت مؤثر سرمایه انسانی، قادر به حرکت در مسیر پیشرفت نخواهد بود. به همین دلیل است که



جوامع، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما ایران، این سرمایه‌های گران‌مایه به‌جای آنکه موتور محرک توسعه داخلی باشند به‌دلیل نبود فرصت‌های کافی، محدودیت‌های ساختاری، ضعف حمایت‌های نهادی و ناپایداری اقتصادی، راهی دیگر کشورها می‌شوند. فقط برای لحظه‌ای به این جمله فکر کنید: «مهاجران ایرانی مؤسس ۸ شرکت میلیارد دلاری در کشور آمریکا هستند» آیا این جمله قلب شما را هم به درد می‌آورد؟

مهاجرت نخبگان و نیروهای متخصص، صرفاً یک جابه‌جایی جغرافیایی نیست؛ بلکه انتقال بخشی از مغز و قلب توسعه ملی است. کشوری که سال‌ها برای تربیت نیروی انسانی هزینه کرده است، در نتیجه این مهاجرت‌ها نه تنها از بازدهی سرمایه‌گذاری خود محروم می‌شود، بلکه عملاً بخشی از آینده خود را به دیگر کشورها واگذار می‌کند. کشورهای مقصد، به‌ویژه جوامع توسعه‌یافته با سیاست‌های هوشمندانه جذب نخبگان، از این وضعیت به‌عنوان فرصتی طلایی بهره می‌برند. آن‌ها با فراهم کردن شرایط پژوهش، زندگی و پیشرفت شغلی برای مهاجران متخصص، نیروی انسانی تربیت‌شده در دیگر کشورها را به خدمت می‌گیرند و بدین ترتیب چرخه‌ای از «توسعه برای کشور

مهاجرپذیر» و «فروپاشی تدریجی ظرفیت‌های داخلی برای کشور مهاجر فرست» شکل می‌گیرد. در مقابل، کشورهای مبدأ با پدیده‌ای مواجه می‌شوند که به تعبیر برخی اقتصاددانان، نوعی «خونریزی انسانی» است. خروج تدریجی توان فکری، مهارتی و مدیریتی از پیکره جامعه. پیامدهای این روند تنها اقتصادی نیست؛ بلکه ابعاد فرهنگی، اجتماعی و حتی روانی نیز دارد. کاهش امید اجتماعی، تضعیف روحیه تلاش جمعی و احساس بی‌اعتمادی نسبت به آینده از جمله آثار پنهان و بلندمدت این روند است. از سوی دیگر، مهاجرت نخبگان نشانه‌ای از نوعی نابرابری در فرصت‌ها و عدالت اجتماعی نیز می‌باشد. وقتی محیطی فراهم نباشد که استعدادها بتوانند رشد کنند و به تناسب توانایی‌های خود پاداش بگیرند، طبیعی است که میل به رفتن افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی، مهاجرت نه انتخابی آزاد، بلکه واکنشی به ساختارهای ناکارآمد است. از این رو، مقابله با فرار مغزها تنها با محدودیت‌های اداری یا شعارهای احساسی ممکن نیست، بلکه نیازمند بازسازی بنیادین در سیاست‌های توسعه، آموزش، اشتغال و مدیریت اجتماعی است. اگر کشوری بخواهد از چرخه زیان‌بار مهاجرت سرمایه‌های انسانی خارج شود، باید ابتدا به سرمایه انسانی خود ایمان بیاورد. باید درک



کند که پیشرفت واقعی از دل دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مدارس، شرکت‌های دانش‌بنیان و حتی اتاق‌های فکر جوانان برمی‌خیزد. ایجاد احساس تعلق، امنیت و عدالت مهم‌ترین پادزهر برای میل به مهاجرت است. کشوری که استعدادهایش را باور دارد و برای آن‌ها فرصت‌های واقعی می‌آفریند نه تنها مانع از خروج نخبگان می‌شود بلکه خود به مقصدی برای جذب استعدادهای جهانی بدل خواهد شد. براساس پژوهشات انجام‌شده در این زمینه، ۶ زیر مقوله شناخت دقیق مسئله، اصلاح نظام پرورش و حمایت از نخبگان، استقرار و تقویت نظام نوآوری، اصلاح نظام اداری و شایسته‌سالاری، ارتقای جایگاه و حفظ کرامت نیروی انسانی می‌تواند مانع از خروج یک ایرانی از کشور عزیزمان شود.

درنهایت، می‌توان گفت حفظ و تقویت سرمایه‌های انسانی به‌منزله حفاظت از آینده یک ملت است. مهاجرت این نیروها اگرچه در سطح فردی ممکن است نشانه جست‌وجو کیفیت بهتر زندگی باشد اما در سطح ملی، زنگ خطری جدی است. جامعه‌ای که نخبگانش را از دست می‌دهد نه تنها از نظر علمی و اقتصادی آسیب می‌بیند بلکه در هویت جمعی و اعتمادبهنفس ملی نیز دچار فرسایش می‌شود. بازگرداندن این روند، مستلزم تصمیم‌های بزرگ، اصلاحات عمیق و نگاهی انسانی‌تر به مفهوم توسعه است؛ توسعه‌ای که انسان نه ابزار آن بلکه غایت آن باشد.

منابع:



مهاجرت



1

بنیان‌های پرورش سرمایه انسانی

- نظام آموزشی کارآمد
- حمایت از پژوهش و نوآوری
- امنیت شغلی و آزادی اندیشه
- عدالت و فرصت‌های برابر اجتماعی

2

راهکارهای مقابله با فرار مغزها

- شناخت دقیق مسئله
- اصلاح نظام پرورش و حمایت از نخبگان
- تقویت نظام نوآوری
- اصلاح نظام اداری و شایسته‌سالاری
- ارتقای جایگاه و کرامت نیروی انسانی
- ایجاد احساس تعلق، امنیت و عدالت

3

علل اصلی مهاجرت

- نبود فرصت‌های کافی برای پیشرفت
- ضعف حمایت نهادی و ناپایداری اقتصادی
- ساختارهای ناکارآمد مدیریتی
- کمبود احساس تعلق و امنیت شغلی

4

پیامدهای مهاجرت نخبگان

- کاهش توان فکری، مهارتی و مدیریتی کشور
- تضعیف امید اجتماعی و اعتماد به آینده
- تشدید نابرابری و بی‌عدالتی در فرصت‌ها
- فرسایش هویت و اعتماد به نفس ملی





نقش دگرگونی‌های هویتی در فرایند مهاجرت و سازگاری فرهنگی ایرانیان مهاجر

نویسنده و رشته تحصیلی: زهرا قاسمی _ دانشجوی کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی
راه ارتباطی: zahraghasemi8406@gmail.com



مقدمه

خود فرامی‌گیرد و بر اساس آن، احساس تعلق و تمایز نسبت به دیگران پیدا می‌کند.

در شرایطی که ارزش‌های حاکم بر جامعه با نیازها و نگرش‌های افراد ناسازگار می‌شود، هویت فرهنگی دچار تزلزل می‌گردد و تمایل به ترک آن محیط افزایش می‌یابد. احساس بیگانگی فرهنگی و ضعف در ارتباطات اجتماعی، افراد را به سوی جست‌وجوی فضایی سوق می‌دهد که در آن بتوانند هویت فردی و اجتماعی خود را به شکل آزادانه‌تری بازسازی کنند.

در سوی دیگر، مهاجرت خود زمینه‌ساز شکل‌گیری نوعی بازاندیشی هویتی است.

فرد مهاجر با ورود به جامعه‌ای جدید با ارزش‌ها، الگوهای رفتاری و هنجارهای متفاوتی روبه‌رو می‌شود.

در این فرآیند، دو گزینه‌ی عمده در برابر او قرار می‌گیرد: یا انطباق کامل با فرهنگ جدید و از دست دادن بخشی از هویت پیشین، یا تلاش برای حفظ عناصر فرهنگی مبدأ در کنار پذیرش بخش‌هایی از فرهنگ میزبان.

مهاجرت پدیده‌ای چندبعدی و پیچیده است که در دهه‌های اخیر با گسترش جهانی‌شدن و افزایش تعاملات فرهنگی، ابعاد تازه‌ای یافته است.

در کنار انگیزه‌های اقتصادی و سیاسی، عوامل فرهنگی و هویتی نیز نقشی تعیین‌کننده در تصمیم افراد برای ماندن یا مهاجرت ایفا می‌کنند.

تجربه‌ی زیسته‌ی بسیاری از ایرانیان مهاجر نشان می‌دهد که دگرگونی در احساس تعلق فرهنگی، یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری تصمیم برای مهاجرت و نحوه‌ی سازگاری در جامعه‌ی میزبان است.

این نوشتار تلاش دارد نقش این دگرگونی‌های هویتی را در فرایند مهاجرت و چگونگی سازگاری فرهنگی ایرانیان مهاجر تحلیل کند.

مبانی نظری و چارچوب مفهومی

هویت فرهنگی را می‌توان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها و رفتارهایی دانست که فرد از طریق تعامل با محیط اجتماعی



می‌شود مهاجران به‌نوعی هویت دوگانه یا ترکیبی دست یابند.

این هویت جدید، نه به معنای ازدست رفتن گذشته است و نه انکار حال، بلکه تلفیقی از هر دو است که در بستر تجربه مهاجرت شکل می‌گیرد.

در میان نسل دوم ایرانیان مهاجر، این دگرگونی‌ها به‌صورت برجسته‌تری مشاهده می‌شود.

نسل جدید، اغلب در جامعه میزبان رشد کرده و زبان، آموزش و الگوهای ارتباطی متفاوتی دارد، اما در خانواده با ارزش‌های فرهنگی ایرانی مواجه است.

این تضاد می‌تواند به بحران هویت منجر شود یا در شرایط مطلوب‌تر، به درکی چندفرهنگی و منعطف از خود بینجامد. هر قدر محیط خانواده و جامعه میزبان امکان گفت‌وگو و پذیرش متقابل بیشتری فراهم کنند، شکل‌گیری هویت ترکیبی سالم‌تر خواهد بود.

در مقابل، مهاجرانی که یا به‌طور کامل در جامعه میزبان حل می‌شوند یا به‌طور مطلق از آن کناره می‌گیرند، معمولاً با مشکلاتی چون احساس بی‌ریشگی، تنهایی فرهنگی یا انزوا مواجه می‌شوند.

مسیر دوم که با عنوان «ادغام فرهنگی» شناخته می‌شود، معمولاً به ایجاد هویتی ترکیبی و چندلایه منجر می‌شود. این نوع هویت، به جای نفی گذشته یا تسلیم در برابر فرهنگ جدید، نوعی تعامل و بازتعریف از خود را امکان‌پذیر می‌سازد.

تحلیل و تبیین دگرگونی‌های هویتی در مهاجرت

فرایند مهاجرت برای بسیاری از ایرانیان، هم‌زمان با تجربه‌ای عمیق از تغییر هویت فرهنگی همراه است.

فرد مهاجر در ابتدا ممکن است احساس گسست از جامعه مبدأ و بیگانگی از جامعه مقصد را توأمان تجربه کند.

با گذر زمان، او می‌کوشد میان ارزش‌های فرهنگی گذشته و واقعیت‌های محیط جدید نوعی تعادل برقرار کند.

در این مسیر، خانواده، زبان مادری و آیین‌های ملی همچون نوروز، مهم‌ترین عناصر حفظ پیوند با فرهنگ ایرانی به شمار می‌آیند.

با این حال، ورود به جامعه جدید، فرد را در معرض ارزش‌هایی چون نظم اجتماعی، قانون‌مداری، احترام به تفاوت‌ها و آزادی فردی قرار می‌دهد.

پذیرش این ارزش‌ها در کنار حفظ سنت‌های ایرانی، سبب



تقویت نهادهای فرهنگی ایرانی در خارج از کشور برای ایجاد فضاهای گفت‌وگو و همبستگی اجتماعی؛ توسعه همکاری‌های فرهنگی و آموزشی بین ایران و جوامع میزبان به‌منظور بهبود تصویر فرهنگی از ایران؛ اصلاح ساختارهای آموزشی و فرهنگی در داخل کشور برای کاهش احساس بیگانگی و افزایش امید اجتماعی در میان جوانان؛

درنهایت، دگرگونی‌های هویتی را نباید تهدیدی برای فرهنگ ملی دانست، بلکه می‌توان آن را فرصتی برای بازآفرینی و تقویت انعطاف فرهنگی تلقی کرد؛ هویت بازاندیشانه و چندفرهنگی، پلی میان گذشته و آینده است که می‌تواند به درک عمیق‌تر میان ملت‌ها و ایجاد جامعه‌ای انسانی‌تر و همدل‌تر بینجامد.

منابع



موفق‌ترین مهاجران کسانی هستند که توانسته‌اند میان دو فرهنگ، پلی از درک و احترام متقابل بنا کنند. این گروه نه تنها در جامعه میزبان جایگاه اجتماعی و شغلی بهتری می‌یابند، بلکه ارتباط خود را با هویت ایرانی حفظ کرده و حتی در انتقال آن به نسل‌های بعدی نقش فعالی دارند.

دگرگونی هویت و سازگاری فرهنگی

سازگاری فرهنگی فرآیندی تدریجی است که از مرحله‌ی انکار و مقاومت تا پذیرش و ادغام کامل ادامه دارد. در این میان، عواملی مانند سن مهاجرت، سطح تحصیلات، نوع شغل، وضعیت اقتصادی و حتی نگرش جامعه میزبان نسبت به مهاجران نقش مهمی ایفا می‌کنند. مهاجرانی که در سنین پایین‌تر وارد جامعه جدید می‌شوند، معمولاً سازگاری سریع‌تری دارند، اما ممکن است پیوند ضعیف‌تری با فرهنگ مبدأ حفظ کنند.

درمقابل، مهاجران بزرگسال که در دوران تحصیل یا اشتغال مهاجرت کرده‌اند، گرچه ارتباط قوی‌تری با هویت ایرانی دارند، اما در سازگاری با فرهنگ میزبان با چالش بیشتری روبه‌رو می‌شوند.

سازگاری فرهنگی تنها به‌معنای پذیرش ظاهری رفتارها یا زبان جامعه جدید نیست، بلکه به درونی‌سازی ارزش‌های انسانی مشترک مانند احترام، مسئولیت‌پذیری و همکاری اجتماعی مربوط می‌شود.

هرچه این ارزش‌ها در تعامل میان دو فرهنگ بیشتر به رسمیت شناخته شوند، همزیستی فرهنگی پایدارتری ایجاد می‌گردد.

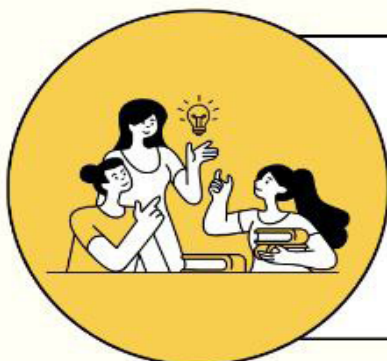
نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تحلیل حاضر نشان می‌دهد که دگرگونی‌های هویتی مهاجران ایرانی، فرآیندی پویا، چندوجهی و وابسته به تعامل میان فرهنگ مبدأ و مقصد است.

هویت فرهنگی در مهاجرت نه از بین می‌رود و نه ثابت می‌ماند؛ بلکه در بستر تجربه‌های جدید بازتولید می‌شود. اگر این بازتولید با آگاهی و انعطاف همراه باشد، به تقویت احساس تعلق و افزایش رضایت روانی و اجتماعی می‌انجامد. **برای تقویت این روند، چند راهکار کلیدی پیشنهاد می‌شود**

گسترش آموزش زبان فارسی و تاریخ فرهنگی ایران در میان نسل‌های جدید مهاجران برای حفظ پیوند هویتی؛

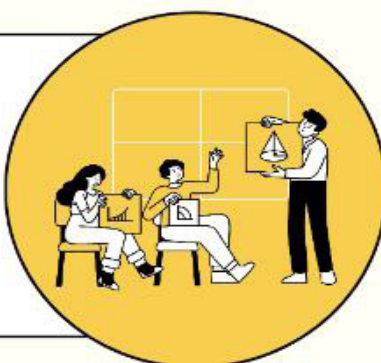
دگرگونی هویتی و سازگاری فرهنگی ایرانیان مهاجر



مهاجرت و هویت: مهاجرت موجب تغییر در هویت فرهنگی می‌شود. مهاجر میان حفظ فرهنگ مبدا و پذیرش فرهنگ میزبان در نوسان است.

مسیر دگرگونی:

1. مقاومت در برابر فرهنگ جدید
2. پذیرش کامل و از دست دادن هویت قبلی
3. هویت ترکیبی و چند فرهنگی / متعادل‌ترین حالت



سازگاری فرهنگی: نیازمند آگاهی، احترام متقابل و تعامل فرهنگی است. هرچه تعامل بیشتر، همزیستی پایدارتر

راهکارها:

1. آموزش زبان و تاریخ ایران برای نسل‌های جدید.
2. تقویت نهادهای فرهنگی
3. ترویج گفتگوهای فرهنگی



هویت ترکیبی حفظ ریشه‌ها، پذیرش تفاوت‌ها.
بهترین مسیر برای سازگاری و همزیستی فرهنگی مهاجران.





ایران نوآوران در گذر زمان

دستاوردهای علمی و فناوریانه ایران در بازه زمانی ۱۳۹۸-۱۴۰۳

نویسنده و رشته تحصیلی: آراین دهقان - دانشجوی کارشناسی بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار
راه ارتباطی: aryandehghansh@gmail.com



چکیده

این گزارش به تحلیل روند و محتوای پیشرفت‌های علمی و فناوریانه کشور ایران در بازه‌ی تقریبی سال‌های ۱۴۰۳-۱۳۹۸ می‌پردازد. هدف، شناسایی نقاط قوت، حوزه‌های کلیدی و نیز محدودیت‌هایی است که بر مسیر توسعه علم و فناوری کشور تأثیرگذار بوده‌اند. روش پژوهش، مرور منابع ثانویه معتبر شامل مقالات علمی، گزارش‌های رسمی دولتی و بین‌المللی و داده‌های شاخص‌های علم و فناوری است. یافته‌ها نشان می‌دهند که ایران موفق به افزایش چشمگیر کمی و تا حدودی کیفی تولید علمی شده است. در حوزه پزشکی و زیست‌فناوری گام‌های قابل توجهی برداشته شده، در فناوری‌های نوین (هوش مصنوعی، نانو، فضایی) نیز رشد شتابانی رخ داده است و نیز در علوم پایه و مهندسی نیز پروژه‌های مهمی اجرا شده است. نتیجه‌گیری نشان می‌دهد که ایران با وجود موفقیت‌های نسبتاً برجسته، برای تحقق چشم‌انداز خود در رتبه‌بندی جهانی علم و فناوری نیازمند اصلاحات ساختاری، ارتقای کیفیت و افزایش همکاری‌های بین‌المللی است.

مقدمه

در سال‌های اخیر، اهمیت علم و فناوری در توسعه پایدار جوامع به طرز چشمگیری افزایش یافته است. برای ایران که با چالش‌هایی چون تحریم‌های بین‌المللی، محدودیت‌های همکاری علمی و مالی روبرو است، پیشرفت در این عرصه یک اولویت راهبردی شمرده می‌شود. طی دهه گذشته، ایران تلاش کرده است ضمن گسترش زیرساخت‌های پژوهشی و فناوری، به خودکفایی و افزایش سهم خود در تولید علم و فناوری دست یابد. با شروع بازه زمانی این گزارش (سال ۱۳۹۸ به بعد) شرایط ویژه‌ای از جمله فشار تحریم‌ها، پاندمی جهانی کووید-۱۹ و نیاز به تحول فناوریانه در کشور رخ داده است. هدف این گزارش، بررسی دقیق‌تر دستاوردهای ایران طی این دوره، در سه حوزه عمده (پزشکی و سلامت، فناوری‌های نوین، علوم پایه و مهندسی) و همچنین بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو است. ساختار گزارش به این صورت است که ابتدا هر حوزه را به‌طور جداگانه تحلیل می‌کند سپس موانع و فرصت‌ها را مرور نموده و در پایان نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

حوزه پزشکی و سلامت

در حوزه پزشکی و سلامت، ایران در سال‌های اخیر



حوزه فناوری‌های نوین

در حوزه فناوری‌های نوین، سه زیرحوزه قابلیت‌وجه عبارتند از: هوش مصنوعی و علوم کامپیوتر، نانوفناوری و فناوری فضایی / انرژی‌های نو. در زمینه نانوفناوری، گزارش‌ها نشان می‌دهند که ایران در سال ۲۰۲۳ با انتشار ۱۱۱۷۹ مقاله نانوفناوری، ۴/۶٪ از کل مقالات جهان در آن حوزه را به خود اختصاص داده و رتبه پنجم جهانی را کسب کرده است. در زمینه فناوری فضایی، گزارش‌ها حاکی از آنند که ایران ماهواره‌هایی مانند Khayyam (مأموریت تصویربرداری از زمین، پرتاب‌شده در ۹ اوت ۲۰۲۲) را به فضا فرستاده است. همچنین بخش خصوصی نیز وارد عرصه فضایی شده است. این امر نشان می‌دهد که ایران نه تنها در تولید علم نانو و فضایی رشد داشته، بلکه در بُعد کاربردی نیز گامی برداشته است. در حوزه هوش مصنوعی و علوم کامپیوتر، اگرچه داده‌های منسجم کمتری برای ایران در دسترس است اما شاخص‌ها نشان می‌دهند که ایران در تولید مقالات فناوری و مقالات کاربردی مهندسی نیز رتبه پیشرفته‌ای در منطقه به‌دست آورده است و گزارش «ایران رتبه اول میان کشورهای اسلامی در مقالات فناوری» را منتشر کرده است. در بخش انرژی‌های نو نیز با وجود محدودیت اطلاعات عمومی، حرکت به سمت توسعه فناوری‌های خورشیدی و استفاده از تکنولوژی‌های بومی دیده می‌شود. در مجموع،

پیشرفت‌هایی مهم را به‌ویژه در زیست‌فناوری، داروسازی، فناوری‌های نوین پزشکی و تحقیقات سلول‌های بنیادی تجربه کرده است. به‌طور مثال گزارش یونسکو حاکی از این است که تا سال ۲۰۱۹ ایران توانسته تقریباً ۹۵٪ از نیاز دارویی داخلی را خود تأمین کند و دوسوم از ترکیبات فعال دارویی را نیز در داخل تولید نماید. همچنین شورای توسعه زیست‌فناوری ایران اعلام کرده که «۲۷ داروی زیستی، ۱۲ پروژه واکسن، ۹۰ ماده اولیه دارویی و ۵۵ پروژه در بخش کشاورزی و امنیت غذایی» طی این دوره در حال اجرا است. به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، گزارش «پیشرفت مشهود در درمان سلولی» اعلام می‌کند که ایران در رتبه جهانی درمان سلولی از جایگاه دوازدهم به هشتم ارتقا یافته است. در زمینه فناوری‌های تشخیصی و درمانی نیز طی سال ۲۰۱۹، پژوهشگران ایرانی موفق به تولید دستگاه اسکن سه‌بعدی بدن و تولید پوشش زخم با ماتریس کلاژنی و فاکتور رشد شدند. این پیشرفت‌ها نشان می‌دهند که بخش سلامت در ایران از تولید به‌صرفه به سمت محصولات فناورانه و زیستی با ارزش افزوده نسبی پیشرفت کرده است. با این حال، تحلیل‌ها نشان می‌دهند که همچنان فاصله‌ای میان تولید علمی و انتقال فناوری به بازار وجود دارد و برای مثال، ضرورت دارد که صادرات دارویی و صادرات فناوری سلامت به‌طور گسترده‌تر صورت پذیرد.





است گام‌هایی قابل‌توجه در مسیر توسعه علمی و فناوریانه بردارد. این گام‌ها در سه حوزه کلیدی - پزشکی و سلامت، فناوری‌های نوین، علوم پایه و مهندسی - هم به‌صورت کمی و هم تا حدودی کیفی قابل‌رصد هستند. با اینحال، برای رسیدن به جایگاه موردنظر در چشم‌انداز علمی کشور، لازم است که تمرکز بر ارتقای کیفیت، تجاری‌سازی فناوری، تقویت همکاری‌های بین‌المللی و بهبود زیرساخت‌ها افزایش یابد. نظام علم و فناوری ایران در آستانه‌گذار به مرحله‌ای است که بتواند نه فقط تولید علم، بلکه تأثیرگذاری فناوری را نیز ارتقاء دهد.

منابع



فناوری‌های نوین به‌عنوان موتور رشد فناوریانه ایران مطرح شده‌اند هرچند شدت تجاری‌سازی و بازاریابی جهانی هنوز نیازمند تقویت است.

حوزه علوم پایه و مهندسی

در حوزه علوم پایه و مهندسی ایران نشان داده است که تولید علمی و فعالیت پژوهشی خود را افزایش داده است. برای مثال ایران در سال ۲۰۲۱ حدود ۷۷۳۵۱ مقاله در پایگاه Scopus داشت، درحالی‌که در سال ۲۰۱۹ این عدد حدود ۶۴۹۸۸ بوده‌است. در حوزه مهندسی، برخی پژوهشگران ایرانی توانسته‌اند گرافن سوئیچ برای باند تراهرتز، نانوسنسورهای فلزات سنگین در غذا، دستگاه fNIRS (طیف‌نگاری نزدیک - فروسرخ عملکردی مغز) و سایر فناوری‌های نوین را بومی‌سازی کنند. همچنین گزارش‌های رسمی حاکی از آن است که ایران دارای حدود ۶۴۸۷ شرکت دانش بنیان در پارک‌های علم و فناوری است که در حدود سال ۲۰۱۹ برآورد شده‌اند.

از منظر مهندسی مخابرات و نرم‌افزار بومی نیز ایران تلاش کرده است به تولید سامانه‌های اطلاعاتی، هوش مصنوعی و شبکه بومی روی آورد؛ هر چند گزارش‌ها عمدتاً بر چالش‌های کیفیت، کمبود همکاری‌های بین‌المللی و خروج مغزها تأکید دارند. به‌طور اجمالی، علوم پایه و مهندسی در ایران در این بازه زمانی هم از جهت کمی و هم از جهت کاربردی تحرک مثبتی داشته‌اند، اما مسیر تجاری‌سازی و بین‌المللی‌سازی همچنان نیازمند تضمین بیشتری است.

نتیجه‌گیری

در بازه زمانی از حدود سال ۱۳۹۸ تا کنون، ایران توانسته





روش پژوهش:

1. مرور مقالات و گزارش‌های رسمی داخلی و بین‌المللی
2. تحلیل شاخص‌های علم و فناوری



هدف گزارش:

شناسایی نقاط قوت، حوزه‌های کلیدی و چالش‌های مسیر توسعه علم و فناوری در ایران



چالش‌ها و نیازها:

1. نیاز به اصلاحات ساختاری در نظام پژوهش
2. تمرکز بر ارتقای کیفیت و کاربردی‌سازی تحقیقات
3. گسترش همکاری‌های بین‌المللی و علمی



دستاوردهای کلیدی:

- تولید علمی:

1. رشد قابل‌توجه در کمیت مقالات
2. بهبود نسبی کیفیت و اثرگذاری علمی

- پزشکی و زیست‌فناوری:

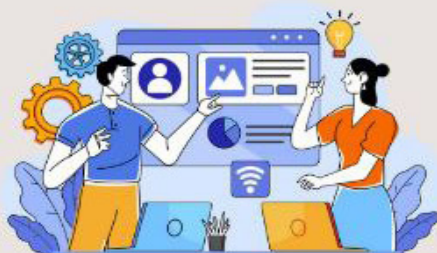
1. توسعه واکسن‌ها و فناوری‌های درمانی نوین
2. پیشرفت در سلول‌های بنیادی و ژنتیک

- فناوری‌های نوین:

1. رشد سریع در هوش مصنوعی، نانو، و فناوری فضایی
2. افزایش استارت‌آپ‌های فناورمحور

- علوم پایه و مهندسی:

اجرای پروژه‌های ملی در انرژی، مواد و زیرساخت‌ها



جمع‌بندی:

ایران با وجود دستاوردهای برجسته، برای دستیابی به جایگاه برتر جهانی در علم و فناوری، نیازمند بهبود کیفیت، مدیریت پژوهش و تعامل جهانی گسترده‌تر است.



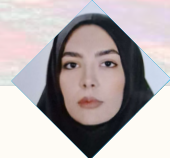


خانه ای در خیال

(گزارشی از هویت، خاطره و فاصله)

نویسنده و رشته تحصیلی: مریم مختاری - دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقا سلامت

راه ارتباطی: Maryammokhtari2003@gmail.com



روایتی که آکنده از سیاست، تحریم و بحران است. میان این دو تصویر، شکافی شکل می‌گیرد که نسل دوم در آن زندگی می‌کند: شکافی میان افسانه و واقعیت.

برخی از این جوانان در سفرهای کوتاه خود به ایران، نخستین بار با واقعیتی روبه‌رو می‌شوند که هم آشناست و هم غریب. کوچه‌هایی که در خیال‌شان قدیمی و آرام بودند، حالا در ازدحام ماشین‌ها و تابلوی فروشگاه‌های مدرن نفس می‌کشند. مردمی که انتظار داشتند سنت‌گرا باشند، از تلفن‌های هوشمند و پلتفرم‌های جهانی سخن می‌گویند. این تضادها برای بسیاری از آنان تجربه‌ای دوگانه به جا می‌گذارد: حیرت از پویایی ایران امروز و حس غربت در جایی که قرار بود وطن باشد.

هویت نسل دوم مهاجران، بر لبه این دوگانگی شکل می‌گیرد. آنان نه به‌تمامی ایرانی‌اند و نه کاملاً از کشور میزبان. از سویی دل در گرو سرزمینی دارند که در داستان‌ها زیسته‌اند، و از سوی دیگر در جامعه‌ای رشد کرده‌اند که به آنان آموخته متفاوت بودن، گاه به معنای ناپیدا بودن است.

برای بسیاری از فرزندان مهاجران ایرانی، ایران سرزمینی است که همواره در جایی میان خیال و واقعیت ایستاده است؛ نه به‌تمامی از آن گذشته است و نه از اکنون جدا. در ذهن این نسل، ایران نه فقط یک کشور در نقشه، بلکه واژه‌ای آغشته به بوی برنج دم کشیده، صدای مادر هنگام حرف زدن با لهجه شیرین فارسی و تصویری محو از کوه‌های البرز یا کوچه‌های آفتاب خورده شهرهای پدری است.

نسل دوم مهاجران، فرزندان نسلی‌اند که از وطن کنده شدند تا جایی دیگر ریشه بگیرند. آنان در میان دو جهان رشد کرده‌اند: جهانی که در خانه با زبان فارسی، موسیقی سنتی و نوروز بازسازی می‌شد و جهانی دیگر که بیرون از خانه با زبان دیگری ارزشهای دیگری و فرهنگی دیگر شکل می‌گرفت. برای بسیاری از آنان، ایران از پشت شیشه روایت‌های والدین معنا پیدا می‌کند، روایت‌هایی که اغلب با نوستالژی آمیخته‌اند: «ایران ما، ایران مهربان‌تر، گرم‌تر و فرهنگی‌تر».

اما این تصویر لطیف خانوادگی، در بیرون از خانه گاه در تضاد با روایتی است که رسانه‌های جهانی از ایران ارائه می‌دهند؛



قالب‌های تازه بازآفرینی‌اش کنند: در فیلم، در موسیقی تلفیقی، در نوشتن و در شیوه زیستن. شاید برای همین است که در میان آنان می‌توان ردی از بازتعریف مدرن ایران را دید؛ ایرانی که دیگر فقط جغرافیا نیست، بلکه احساسی مشترک است در دل میلیون‌ها ایرانی دور از وطن.

درنهایت، نگاه نسل دوم مهاجران به ایران، روایتی از دوری و دلبستگی است. از سویی فاصله زمانی و مکانی، آنان را از واقعیت روزمره ایران جدا کرده است؛ و ازسویدیگر، رشته‌ای نامرئی از عاطفه، زبان و خاطره آنان را به همان خاک پیوند می‌دهد. ایران برای آنان نه خانه‌ای که در آن زاده شده‌اند، بلکه خانه‌ای است که در درون خود ساخته‌اند، خانه‌ای از واژه‌ها، صداها و تکه‌هایی از گذشته والدین‌شان.

در نگاه این نسل، ایران هنوز زنده است؛ نه در مرزها، بلکه در حافظه عاطفی انسان‌هایی که از آن برآمده‌اند و هر جا که باشند، هنوز نامش را با نرمی و دلتنگی بر زبان می‌آورند.

از همین جاست که بسیاری از آنان به هویتی تازه و ترکیبی دست می‌یابند؛ هویتی که می‌تواند همزمان چند صدا را در خود جا دهد؛ جوانی که با دوستانش به زبان انگلیسی شوخی می‌کند، اما برای آرامش، شعر فروغ را زمزمه می‌کند. زبان فارسی در این میان نقشی حیاتی دارد. برای آنان که هنوز می‌توانند فارسی را روان حرف بزنند یا حتی بنویسند، ارتباط با ایران زنده‌تر است؛ اما برای کسانی که واژه‌ها در ذهن‌شان غریبه شده‌اند، ایران بیشتر به نشانه‌ها خلاصه می‌شود: بوی قرمه‌سبزی، موسیقی سنتی در ماشین پدر یا نوروزی که هر سال به شکلی نمادین در گوشه‌ای از جهان تکرار می‌شود.

با این همه، در دل این فاصله نوعی پیوند آرام و عمیق جاری است. بسیاری از نسل دوم‌ها ایران را نه به‌عنوان کشوری برای بازگشت، بلکه به‌عنوان بخشی از میراث درونی خود می‌شناسند. آن‌ها میراث‌دار فرهنگی‌اند که می‌کوشند در





استارت‌آپ‌های ایرانی؛ امیدی برای جلوگیری از مهاجرت نسل جوان

نویسنده و رشته تحصیلی: امیرارسلان نوری - دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار



راه ارتباطی: Arsalannoury1@gmail.com

صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر فولاد مبارکه، با هدف توسعه فناوری و مدل‌های نوآورانه در زنجیره ارزش صنعت فولاد، به عنوان یکی از بازوهای نوآوری این گروه صنعتی تأسیس شده است. مأموریت اصلی آن، حمایت از شرکت‌ها و ایده‌هایی است که بتوانند چالش‌های حیاتی صنعت را حل کنند؛ چالش‌هایی همچون کمبود مواد اولیه باکیفیت، بهینه‌سازی مصرف انرژی، مسائل زیست‌محیطی، و ورود به عرصه تحول دیجیتال و صنعت چهارم.

فرآیند سرمایه‌گذاری این صندوق شامل چند مرحله است: بررسی اولیه طرح‌ها، ارزیابی فنی و اقتصادی، تصمیم کمیته سرمایه‌گذاری، عقد قرارداد، نظارت بر اجرا و درنهایت خروج از سرمایه‌گذاری پس از بلوغ کسب‌وکار. حوزه‌های کلیدی فعالیت آن نیز شامل تحول دیجیتال، پایداری و اقتصاد چرخشی، هوش مصنوعی، اینترنت اشیا، رباتیک صنعتی، تأمین پایدار انرژی و آب، بازیافت و تولید فولاد سبز است.

در سه سال اخیر، گروه فولاد مبارکه نزدیک به هزار

در سال‌های اخیر، مهاجرت نسل جوان و نخبگان دانشگاهی به یکی از چالش‌های مهم کشور تبدیل شده است. بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، به‌ویژه در رشته‌های فنی و مهندسی، در جستجوی فرصت‌های شغلی و تحقیقاتی بهتر، کشور را ترک می‌کنند. یکی از راهکارهای مؤثر برای کاهش این روند، توسعه زیست‌بوم نوآوری و حمایت از استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان در داخل کشور است.

در این میان، نمونه‌هایی از همکاری موفق صنعت و دانشگاه، توانسته‌اند زمینه رشد و ماندگاری نیروهای متخصص را فراهم کنند. صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر گروه فولاد مبارکه (MSTID FUND) از جمله نمونه‌های شاخصی است که با تمرکز بر توسعه فناوری، حمایت از استارت‌آپ‌ها و همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان، نقش مهمی در ایجاد فرصت‌های نوآورانه برای جوانان ایرانی ایفا کرده است. این گزارش به بررسی فعالیت‌ها و اثرات این صندوق بر اکوسیستم استارت‌آپی کشور می‌پردازد.

معرفی صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر فولاد مبارکه



پیوند صنعت و دانشگاه از طریق مراکز نوآوری فولاد مبارکه

یکی از اقدامات برجسته در راستای پیوند صنعت و دانشگاه، تأسیس مراکز نوآوری و تحقیقاتی مرتبط با گروه فولاد مبارکه در دانشگاه‌ها و استان‌های مختلف است. این مراکز، علاوه بر دانشگاه اصفهان، در چندین دانشگاه دیگر فعال هستند و با هدف شناسایی ایده‌های فناورانه، حمایت از طرح‌های پژوهشی کاربردی و تربیت نیروی متخصص، زمینه‌ای برای تعامل مستقیم میان استادان، پژوهشگران و صنعت‌گران فراهم کرده‌اند.

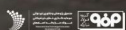
در دانشگاه اصفهان، مرکز نوآوری فولاد مبارکه با ارائه خدمات حمایتی به استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان، به توسعه فناوری‌های هوشمند و پایدار در صنعت فولاد کمک می‌کند. تاکنون بیش از ۷۰ عضو هیئت علمی و ۲۴۰ متخصص جوان در این مراکز با فولاد مبارکه همکاری کرده‌اند و بیش از ۱۰۰ مسأله فنی و فناورانه صنعتی شناسایی و پیگیری شده است. فعالیت این مراکز ضمن تقویت زیست‌بوم نوآوری، فرصت‌های شغلی فناورانه و کاهش مهاجرت نخبگان را به دنبال دارد و زمینه‌ای مستقیم برای پیوند دانشگاه و صنعت فراهم کرده است.

نمونه‌های استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان

نمونه‌های متعددی از استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان تحت حمایت این صندوق در همین زمینه‌ها فعالیت دارند.



ترکیبی از
سازوکارها؛
کلید تعامل با
استارت‌آپ‌ها



میلیارد تومان سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دانش‌بنیان و فن‌آور انجام داده و بیش از ۳۰ شرکت دانش‌بنیان فعال در حوزه‌های فناوری‌های نوظهور را تحت حمایت خود قرار داده است. این صندوق در جایزه ملی تأمین مالی فناوری و نوآوری ایران نیز به عنوان برترین صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر شرکتی کشور (CVC) معرفی شده است.



آیین افتتاح مرکز
نوآوری فولاد مبارکه

پیوند فناوری‌های نو با صنعت و اشتغال جوانان

فعالیت‌های صندوق MSTID نشان می‌دهد که چگونه فناوری‌های نوین می‌توانند در دل صنایع بزرگ رشد کرده و فرصت‌های تازه‌ای برای جوانان و متخصصان ایجاد کنند. محورهای اصلی حمایت صندوق عبارتند از:

هوش مصنوعی و یادگیری ماشین: برای پیش‌بینی حوادث، پایش وضعیت تجهیزات، تحلیل داده‌های صنعتی و تصمیم‌سازی هوشمند در خطوط تولید.

اینترنت اشیا (IoT): برای ایجاد سیستم‌های هوشمند مانیتورینگ، اندازه‌گیری آلاینده‌ها، کنترل شرایط فرآیند و ایمنی محیط‌های کاری.

رباتیک صنعتی و پردازش تصویر: برای کاهش خطای انسانی، افزایش بهره‌وری و بهبود ایمنی خطوط تولید. اقتصاد چرخشی و مدیریت پسماند: جهت کاهش اثرات زیست‌محیطی، بازیافت ضایعات و بهینه‌سازی منابع انرژی و مواد اولیه.



برای مثال:

شرکت داده‌کاوی ویرا ژرف کویر، فعال در حوزه‌ی هوش مصنوعی و تحلیل داده، که موفق به کسب جایزه بین‌المللی در رویداد استارت‌آپ سامیت روسیه شده است.

شرکت دیده رایان صنعتی اصفهان (درصا) که در زمینه هوشمندسازی خطوط تولید و سیستم‌های پایش تصویری فعالیت می‌کند.

شرکت هوش‌یار صنعت اسپادانا که راهکارهای دیجیتال و داده‌محور برای صنایع فولادی ارائه می‌دهد.

شتاب‌دهنده دلتاوی به عنوان یکی از بازوهای توسعه‌ای صندوق، بر روی ایده‌های فناورانه در زمینه‌های آب، انرژی، و محیط‌زیست سرمایه‌گذاری می‌کند.

فناوری‌هایی که توسط این استارت‌آپ‌ها توسعه یافته، مستقیماً در خطوط تولید فولاد مبارکه به کار گرفته شده‌اند و باعث افزایش بهره‌وری، کاهش حوادث صنعتی و صرفه‌جویی در مصرف انرژی و منابع شده‌اند. این تجربه واقعی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در نوآوری نه تنها مزیت اقتصادی دارد، بلکه می‌تواند بر کیفیت و ایمنی

محیط‌های صنعتی نیز اثر مثبت بگذارد.

نقش این اقدامات در کاهش مهاجرت جوانان

یکی از پیامدهای مهم شکل‌گیری چنین زیست‌بوم‌هایی، ایجاد انگیزه برای ماندن و فعالیت جوانان متخصص در کشور است. زمانی که فارغ‌التحصیلان دانشگاهی می‌بینند می‌توانند در محیطی فناورانه، در تعامل با صنایع بزرگ، ایده‌های خود را عملی کنند و از حمایت‌های مالی و فنی برخوردار شوند، جذابیت مهاجرت به‌طور طبیعی کاهش می‌یابد.

صندوق MSTID با همکاری دانشگاه‌ها، پارک‌های علم و فناوری و مراکز نوآوری، بستر ارتباط دانشگاه و صنعت را فراهم کرده است. بسیاری از تیم‌های استارت‌آپی، متشکل از دانشجویان و نخبگان دانشگاهی، از همین مسیر وارد چرخه نوآوری صنعتی شده‌اند. بدین ترتیب، فرصت‌های واقعی برای اشتغال فناورانه در کشور ایجاد شده است فرصت‌هایی که از نظر کیفیت محیط کار و استفاده از فناوری، قابل‌رقابت با کشورهای توسعه‌یافته است. علاوه‌براین، تمرکز صندوق بر حوزه‌هایی همچون هوش



مدیرعامل صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر فولاد مبارکه:

صندوق MSTID پیش‌برنده اکتشاف در گروه فولاد مبارکه است

صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر فولاد مبارکه

گروه فولاد مبارکه

نتیجه‌گیری

مطالعه تجربه صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر فولاد مبارکه نشان می‌دهد که نوآوری صنعتی و حمایت از استارت‌آپ‌ها می‌تواند به عاملی مؤثر در نگهداشت نخبگان و کاهش مهاجرت جوانان تبدیل شود. پیوند میان صنعت، دانشگاه و سرمایه‌بستر شکوفایی استعدادهای فناورانه را فراهم می‌کند و به جوانان نشان می‌دهد که آینده‌ای مبتنی بر دانش و خلاقیت در داخل کشور ممکن است. با تداوم چنین سیاست‌هایی، گسترش صندوق‌های مشابه در سایر صنایع و توسعه‌ی زیرساخت‌های نوآوری در دانشگاه‌ها، می‌توان امید داشت که نسل جدید کارآفرینان ایرانی، نه تنها در کشور بمانند، بلکه موتور محرک توسعه صنعتی و فناورانه ایران در دهه‌های آینده باشند.

منابع:



مصنوعی، اینترنت اشیا، رباتیک و بازیافت صنعتی باعث شده متخصصان در زمینه‌های به‌روز جهانی بتوانند دانش خود را در پروژه‌های داخلی به‌کار گیرند؛ این خود نوعی «انتقال انگیزه و امید» به جوانان متخصص به شمار می‌آید.

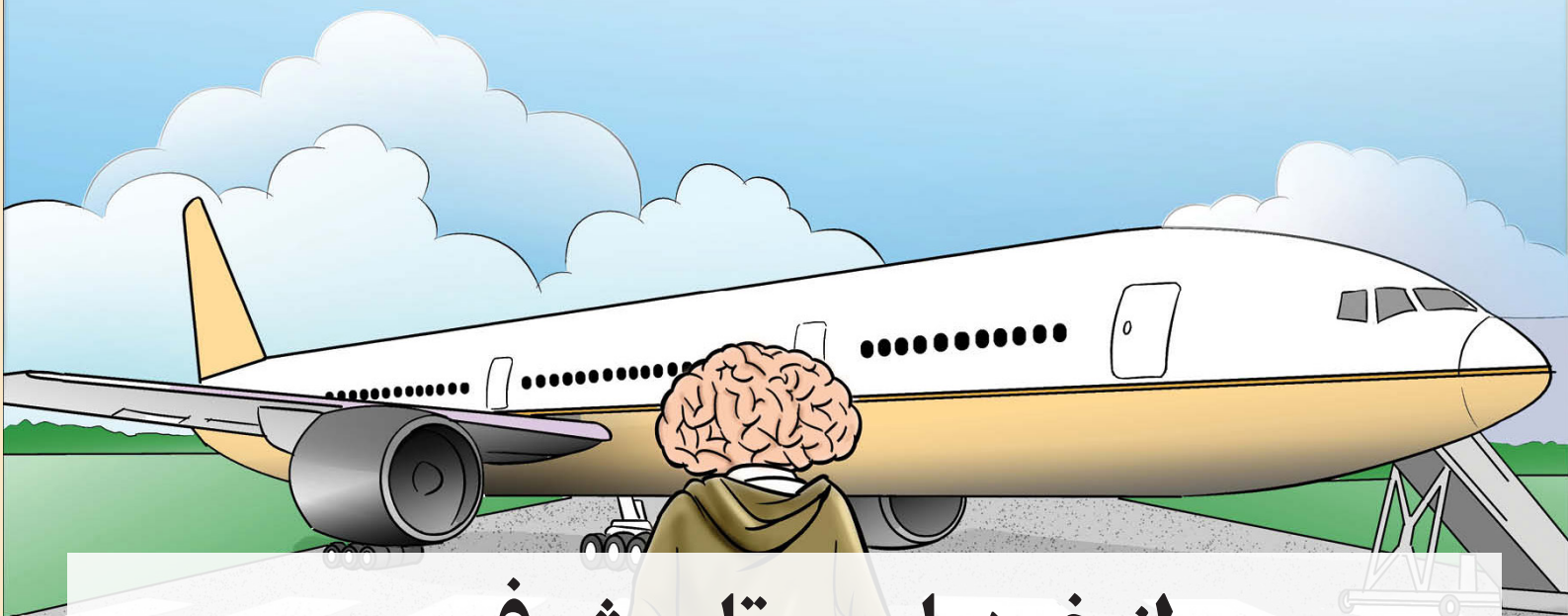
چالش‌ها و ضرورت‌های پیش‌رو

با وجود موفقیت‌های قابل توجه، برخی چالش‌ها همچنان باقی است. اطلاعات مالی و عملکردی برخی طرح‌ها به‌صورت عمومی منتشر نمی‌شود و ارزیابی جامع از اثر واقعی این سرمایه‌گذاری‌ها بر کاهش نرخ مهاجرت یا ایجاد اشتغال هنوز نیازمند پژوهش‌های میدانی است.

همچنین تمرکز فعالیت‌ها در استان اصفهان و اطراف صنایع فولاد، باعث شده که دسترسی سایر استان‌ها به این حمایت‌ها محدود باشد. گسترش چنین مدل‌هایی به دیگر صنایع و مناطق کشور می‌تواند تأثیرات اجتماعی و اقتصادی آن را افزایش دهد.

از سوی دیگر، برای پایداری این روند لازم است سیاست‌گذاران ملی نیز در حوزه‌های زیرساختی، قوانین حمایتی و مشوق‌های مالیاتی همراهی لازم را داشته باشند. ایجاد ثبات اقتصادی، امنیت سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی بلندمدت از دیگر پیش‌شرط‌های رشد اکوسیستم‌های نوآورانه در کشور است.



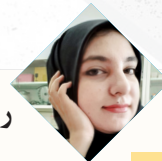


از خودباوری تا پیشرفت

نخبگان بومی و نهادهای ساز فرهنگ کارآمد در توسعه ایران

نویسنده و رشته تحصیلی: پرستو بهشتی - دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط

راه ارتباطی: parastoo beheshti77@gmail.com



مقدمه

افزایش بهره‌وری تولید و ارتقاء امنیت ملی تلقی می‌گردد. شواهد تاریخی و مطالعات تطبیقی، نقش بی‌بدیل نخبگان را در شکل‌گیری و تحول ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورها به‌روشنی نشان داده‌اند. مطابق با دیدگاه غالب در ادبیات توسعه، در عصر حاضر که دانش و نوآوری به‌عنوان محرک‌های اصلی رشد شناخته می‌شوند، مهم‌ترین شاخص ارزیابی سطح توسعه‌یافتگی کشورها، میزان بهره‌مندی از خلاقیت‌های ذهنی و ظرفیت‌های انسانی پژوهش‌محور است. در این راستا حفظ و بهره‌برداری مؤثر از سرمایه انسانی نخبه از اولویت‌های راهبردی محسوب می‌شود. با وجود اقدامات انجام‌شده در جهت صیانت از این سرمایه ارزشمند، جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های اخیر با چالش مهاجرت نخبگان یا پدیده «فرار مغزها» مواجه بوده است. این پدیده، که تحت‌تأثیر عوامل متعددی از جمله شرایط اقتصادی، زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی، جذابیت‌های علمی و رفاهی کشورهای مقصد تشدید شده پیامدهای منفی قابل‌توجهی برای نظام علمی و توسعه ملی به همراه داشته است.

در عصر حاضر که دانش و فناوری به‌عنوان محورهای اصلی توسعه شناخته می‌شوند. سرمایه انسانی به‌ویژه نخبگان علمی و فکری، نقشی بنیادین در تحقق توسعه پایدار ایفا می‌نماید. جمهوری اسلامی ایران با بهره‌مندی از زیرساخت‌های علمی قابل توجه، دانشگاه‌های معتبر و جمعیت جوان و مستعد، از ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای پیشرفت علمی برخوردار است. با این وجود، یکی از چالش‌های راهبردی پیش‌رو، پدیده مهاجرت نخبگان یا فرار مغزهاست که می‌تواند فرآیند رشد علمی کشور را با اختلال مواجه سازد و موجب کاهش بهره‌وری علمی در بلندمدت گردد. این نوشتار به تحلیل و ارزیابی چشم‌انداز علمی ایران در صورت حفظ و بهره‌برداری مؤثر از ظرفیت نخبگان داخلی می‌پردازد.

اهمیت نخبگان و چالش مهاجرت

در چارچوب نظریه‌های توسعه انسانی، سرمایه انسانی به‌ویژه در سطوح عالی و نخبگی به‌عنوان زیربنای اصلی فرآیند پیشرفت و عامل مهم در تحقق رشد اقتصادی،



ایران طی سال‌های اخیر با تمرکز بر تربیت نیروی انسانی متخصص و توانمند (حاصل گسترش و ارتقاء کیفی دوره‌های تحصیلات تکمیلی) و همچنین با افزایش چشمگیر در تولید مستندات علمی موفق به کسب رتبه شانزدهم جهانی در سال ۲۰۱۹ گردیده است. این دستاورد بیانگر ظرفیت‌های بالقوه کشور در حوزه علم و فناوری و ضرورت توجه به سیاست‌های حفظ و حمایت از نخبگان به‌عنوان رکن اساسی توسعه پایدار است.

شکوفایی اقتصادی و تجاری‌سازی علم

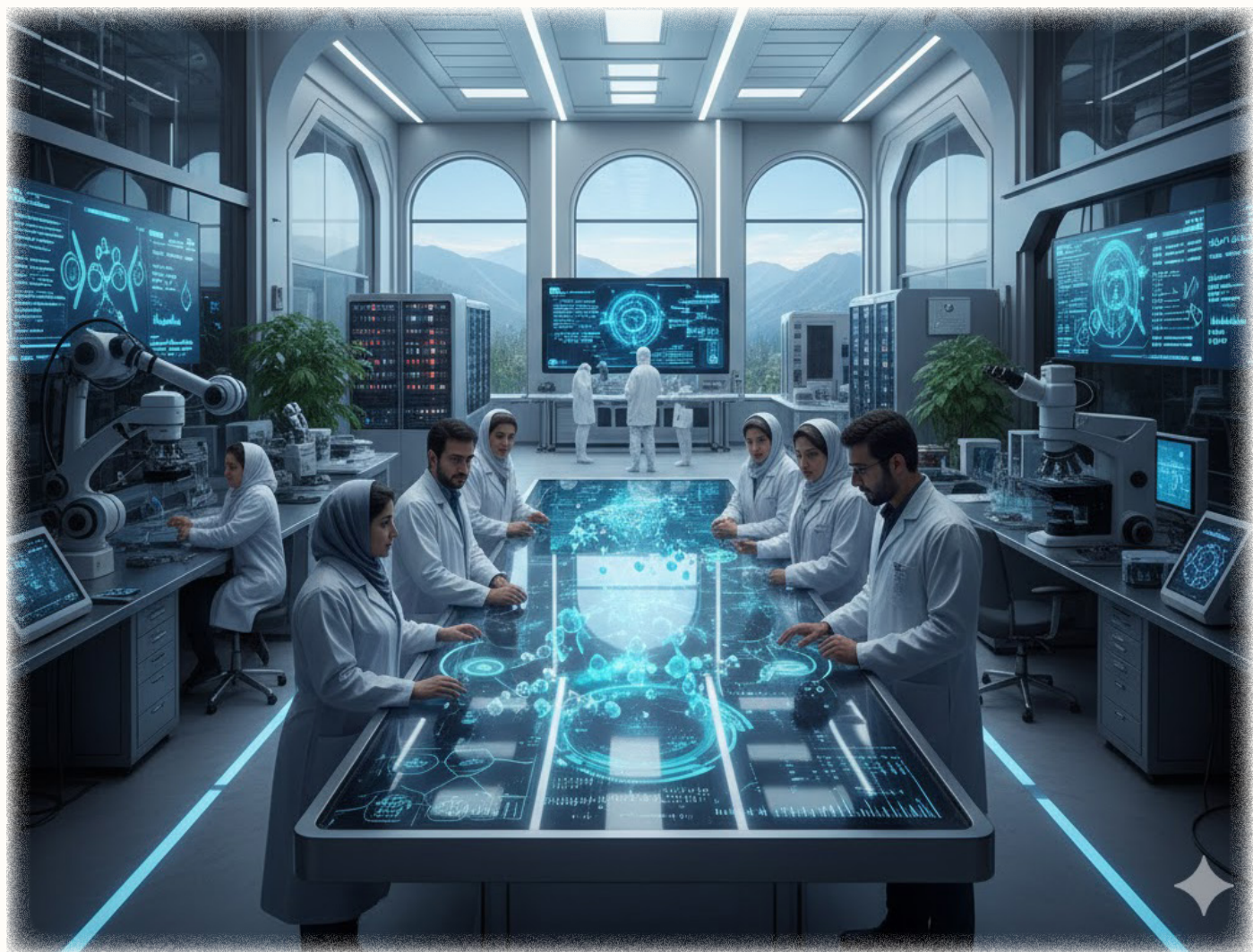
یکی از پیامدهای قابل توجه و ملموس در مهار پدیده مهاجرت نخبگان، کاهش زبان‌های اقتصادی ناشی از خروج سالانه سرمایه‌های انسانی و بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های درآمدزای این گروه تخصصی است. حفظ یا بازگشت نخبگان به کشور، زمینه‌ساز تبدیل دانش و تخصص به ثروت ملی بوده و می‌تواند علم را به‌عنوان یک منبع واقعی تولید ارزش اقتصادی در ساختار توسعه کشور تثبیت نماید. این امر، با اتخاذ راهبردهای زیر محقق می‌شود:

باینحال، بر اساس تحلیل‌های سیاست‌گذاری، چنانچه عوامل رانش (Push Factors) به‌طور مؤثر کاهش یابند و هم‌زمان عوامل کشش (Pull Factors) در داخل کشور تقویت گردند می‌توان انتظار داشت که روند مهاجرت نخبگان مهار شده و مسیر رشد و توسعه علمی، اقتصادی و اجتماعی کشور به‌صورت معناداری دگرگون گردد.

بنیان‌های پیشرفت و توسعه: تکیه بر فرهنگ و نیروی متخصص بومی

مقدمه دستیابی به جایگاه مطلوب و پیشرفته در گرو شناسایی، نیروی محرک اصلی پیشرفت است. بر اساس تحلیل‌های موجود در حوزه توسعه ملی، توسعه فرهنگی درون‌زا به‌عنوان عامل محرک کلیدی در مسیر پیشرفت ایران شناخته می‌شود. در این چارچوب، حفظ و بهره‌برداری مؤثر از نخبگان علمی نه‌تنها استمرار تحول علمی را تضمین می‌نماید، بلکه زمینه‌ساز نهادینه‌سازی فرهنگ بومی کارآمد در ساختارهای توسعه‌ای کشور خواهد بود.

از منظر شاخص‌های پیشرفت علمی، جمهوری اسلامی



توسعه اقتصاد دانش بنیان و رونق تولید ملی، بهبود روابط سه‌جانبه دانشگاه - صنعت - دولت و حل مسئله اشتغال و کارآفرینی.

نقش نخبگان در توسعه علمی

نخبگان علمی موتور محرک نوآوری، پژوهش‌های بنیادی و کاربردی و توسعه فناوری هستند. ماندگاری این افراد در کشور، نه تنها موجب ارتقاء سطح علمی داخلی می‌شود بلکه زمینه‌ساز تعاملات بین‌المللی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ارتقاء جایگاه علمی ایران در سطح جهانی خواهد بود.

ثبات سیاسی و تحقق شایسته‌سالاری

چشم‌انداز آرمانی جمهوری اسلامی ایران در شرایطی که پدیده مهاجرت نخبگان مهار گردد، صرفاً محدود به دستاوردهای اقتصادی نخواهد بود بلکه زمینه‌ساز

شکل‌گیری یک نظام سیاسی پایدار و باثبات نیز خواهد شد. یکی از مؤلفه‌های بنیادین در تحقق ثبات سیاسی، وجود اجماع نظری و انسجام فکری میان نخبگان سیاسی حاضر در ساختار حاکمیتی است؛ امری که نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت تصمیم‌گیری‌های کلان و مدیریت نظام‌مند امور کشور ایفا می‌نماید.

با توجه به جایگاه راهبردی نخبگان در فرآیند سیاست‌گذاری و اداره امور عمومی، حضور فعال و مشارکت مؤثر آنان در داخل کشور می‌تواند به ایجاد توازن میان مطالبات مردمی و وظایف ساختاری دولت منجر شود. این توازن، نه تنها موجب افزایش مشروعیت سیاسی و کارآمدی حکمرانی خواهد شد بلکه به‌عنوان یکی از ارکان اصلی پایداری نظام سیاسی در بلندمدت شناخته می‌شود.





نتیجه‌گیری

با توجه به تحلیل‌های ارائه‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که نخبگان به‌عنوان رکن بنیادین توسعه پایدار، نقش چندوجهی و راهبردی در ارتقاء علمی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور ایفا می‌نماید. جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از زیرساخت‌های علمی و دانشگاهی ظرفیت‌های قابل توجهی برای پیشرفت دارد؛ اما استمرار و تحقق این ظرفیت‌ها، مستلزم حفظ و بهره‌برداری مؤثر از نخبگان داخلی است.

بنابراین، اتخاذ سیاست‌های جامع در جهت کاهش عوامل رانش و تقویت عوامل کشش، به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و مدیریتی، ضرورتی انکارناپذیر برای بهره‌برداری از ظرفیت نخبگان و دستیابی به توسعه همه‌جانبه و پایدار در ایران به‌شمار می‌رود.





در مسیر فرار



عنوان: نویسنده و رشته تحصیلی: مریم مختاری - دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقا سلامت
راه ارتباطی: Maryammokhtari2003@gmail.com

در دنیایی که مرزها در ذهن و دل انسان، گاهی ملموس‌تر از خط‌های روی نقشه‌اند، داستان مهاجرت بیش از همیشه به قصه‌های مشترک بدل شده. هر یک از ما، در نقطه‌ای از زندگی، لحظه‌ای را تصور کرده‌ایم که کوله بارِ امید و ترس برداشته و راهی سرزمینی نو شویم. در این شماره از مجله، به سراغ تازه‌ترین روایت‌ها از این سفرها می‌رویم، روایت‌هایی که نه صرفاً درباره عبور از مرزها ست، بلکه درباره عبور از دل، از هویت و از خودِ انسانی که در میان راه گم می‌شود و باز پیدایش می‌کند.

کتاب «آوید»

بنده محبت توام گیتی، درست مانند هر جنبنده دیگری که بنده محبت است. این که کنارم مینشینی و دستت را دور گردنم میاندازی، من دیگر اشک نمیریزم و لبخند میزنم. تمام سختیهای زندگی را تاب می‌آورم. می‌پرسی چرا در چشمانت همیشه رگهای از درد دیده میشود؟ من سکوت میکنم. نمیخواهم از دردهایم به تو بگویم و تو را هم ملول کنم. چهره شاد تو را هم غم بگیرد. در عوض لبخند میزنم. لبخند همچون موسیقی بیکلام است. خودت باید حسش کنی و برداشتی از آن داشته باشی.
(برگرفته از متن ناشر)

در تازه‌ترین اثر جواد قلعه تکی زاده، «آوید» داستانی است سرشار از تردید و امید؛ پیرامون جوانی که راهی سرزمینی دور می‌شود تا آینده‌ای بهتر بسازد. در خلال سفرش، تنشهای هویتی، دل مشغولی به گذشته و تردید در انتخابهایش، او را به مرز تغییر می‌کشاند. این کتاب نه فقط سفر جغرافیایی را روایت می‌کند، بلکه سفر درونی کسی را به تصویر می‌کشد که می‌کوشد برای خود معنا و جایگاهی نو بسازد. گیتی! تو اگر نباشی تحمل این لحظه‌ها برایم دشوار است. تو را در کنارم حس میکنم که با تمام این بدبختیها کنار می‌آیم. صدایت آرامم میکند. تمام خستگیهایم را میزداید. من

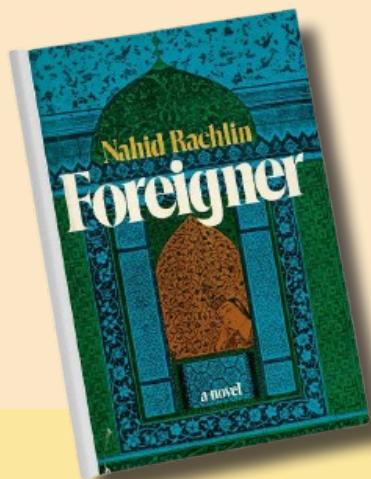


کتاب «مونیک؛ شش و نوزده دقیقه»

گذری است که همه چیز را ممکن است تغییر دهد. این اثر تمرکزش بر لحظه‌های سرنوشت‌ساز است، زمانی که آدمگر در برزخ انتخاب، باید گامی به جلو بردارد یا باز بایستد.

رمان «مونیک؛ شش و نوزده دقیقه» نوشته پوریا اسدی، قصه مهاجری را روایت می‌کند که در نقطه‌ای سرنوشت‌ساز، باید تصمیم بگیرد میان باقی ماندن و رفتن، میان دنیای آشنا و ناشناس. عنوان دقیق «شش و نوزده دقیقه» نمادی از





کتاب «بیگانه»

زندگی مهاجرتی، تاروپود وجود انسان را تغییر می‌دهد و چه دشواری‌هایی در بازگشت به وطن انتظار انسان را می‌کشد. در بازگشت، همه‌چیز به نسبت تغییر کرده؛ خود آدم‌ها، قوانین و نگاه‌ها.

در «بیگانه» اثر ناهید راجلین، با شخصیت فری آشنا می‌شویم؛ زنی که سال‌ها در بوستون زندگی کرده و اکنون به ایران بازگشته است. او با خود خاطراتی از غربت و پرسشهایی دربارهٔ هویت دارد. کتاب نشان می‌دهد چگونه

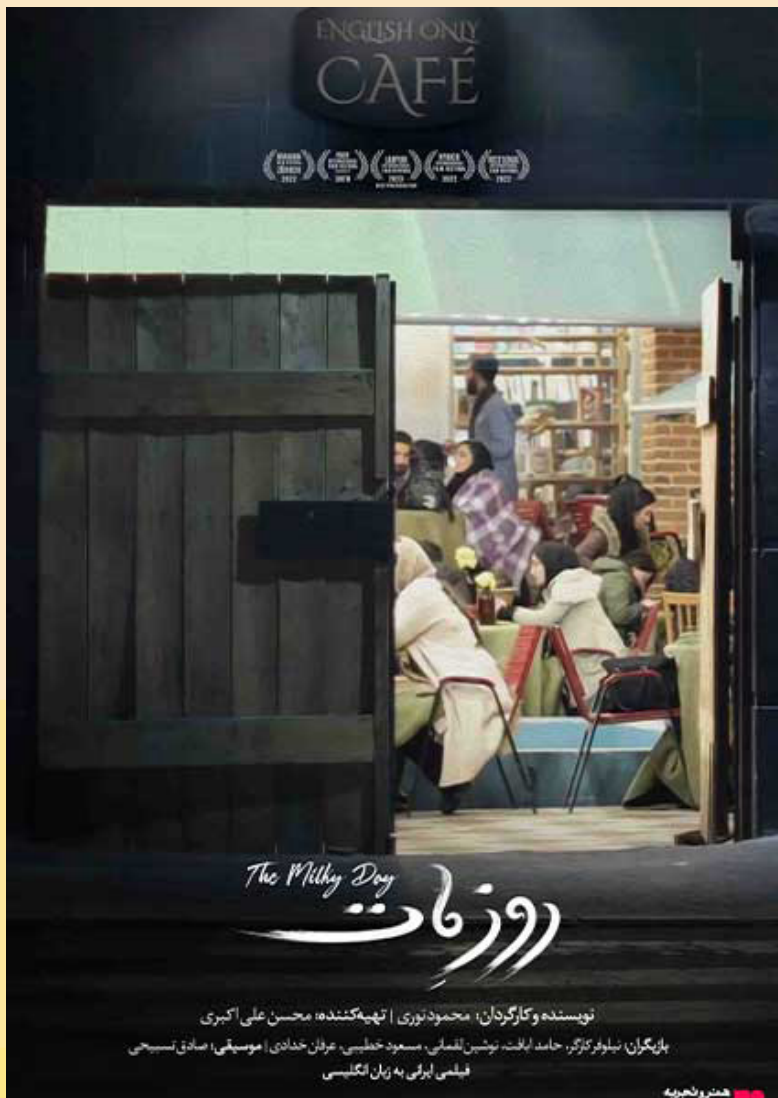
فیلم «رفتن»



«رفتن» یکی از تازه‌ترین جلوه‌های سینمایی است که تلاش دارد عشق، مهاجرت و آرزوی رفتن را در هم بیامیزد. رفتن نخستین فیلم سینمایی نوید محمودی در ژانر غم‌انگیز است که به نویسندگی و تهیه‌کنندگی جمشید محمودی تولید شده و محصول سال ۱۳۹۵ است. این فیلم نمایندهٔ سینمای افغانستان در هشتاد و نهمین دورهٔ جوایز اسکار بوده است که اکران خود را در سینماهای شهر کابل آغاز کرده است. داستان فرشته و نبی، دو مرد و زن جوان که در افغانستان زندگی می‌کنند، به‌گونه‌ای آغاز می‌شود که مقصد ایران و پس از آن اروپا را در سر دارند. در مسیر، آنچه بیشتر از دشواری جابه‌جایی جسمی به چشم می‌آید، تراژدی تنهایی، هراس چشمانداز ناشناخته و امیدی است که سوختِ ادامه دادن می‌شود.

از بازیگران برجسته این فیلم می‌توان به فرشته حسینی و نازنین بیاتی اشاره کرد. نقدها درباره «رفتن» غالباً بیان می‌کنند که فیلم گاهی در ارائه موقعیت‌های سخت مهاجرت، بیشتر حرف می‌زند تا اینکه تصویر کند با این حال، ترکیب احساسات عاشقانه و بطن اجتماعی مهاجرت، آن را به اثری متفاوت تبدیل کرده است.





فیلم «روز مات»

فیلم «روز مات» به نویسندگی و کارگردانی محمود نوری و تهیه‌کنندگی محسن علی اکبری، اثری اجتماعی و تأملبرانگیز از سینمای معاصر ایران است که در سال ۱۴۰۱ ساخته شد. این فیلم با نگاهی انسانی به مسئله مهاجرت، سرنوشت و تصمیم‌های دشوار نسل امروز می‌پردازد.

«روز مات» داستان زوجی به نام لیلا و احسان را دنبال می‌کند که در آستانه مهاجرت به آمریکا قرار دارند؛ تصمیمی که در ظاهر دروازه‌ای به سوی آزادی و رفاه است، اما در پس آن، تردیدها، دلهره‌ها و هزینه‌های عاطفی عمیقی پنهان شده. فیلم، با نگاهی ظریف و بی‌قضاوت، فاصله میان رؤیای رفتن و واقعیت ازدست‌دادن را به تصویر می‌کشد.

این اثر در جشنواره‌های متعددی حضور یافت؛ از جمله جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، جشنواره نایاک آمریکا و جشنواره فیلم‌های ایرانی زوریخ. همچنین در سال ۲۰۲۳ موفق شد در جشنواره بین‌المللی فیلم چیپور هند جایزه بهترین فیلم سیاسی را به خود اختصاص دهد افتخاری که جایگاه آن را به‌عنوان اثری تأثیرگذار در روایت مهاجرت و سیاست انسانی تثبیت کرد.



مهاجرت در مقیاس کوتاه ، جهان این هفته



عنوان: نویسنده و رشته تحصیلی: مریم مختاری- دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقا سلامت
راه ارتباطی: Maryammokhtari2003@gmail.com

سیاست‌ها و قانون

امارات اعلام کرده در حال بازنگری شرایط اقامت بلندمدت برای نیروهای متخصص است تا حفظ استعدادهای وارد شده پایدارتر شود.
منبع: <https://u.ae/en/information-and-services/visa-and-emirates-id>

دولت استرالیا اعلام کرده از ابتدای سال جدید میلادی بررسی ویزای نیروی متخصص را کوتاه‌تر می‌کند تا کمبود نیرو در بخش درمان و فناوری جبران شود.
منبع: <https://www.homeaffairs.gov.au>

داده‌های تازه

پژوهش تازه مرکز مطالعات جمعیت سازمان ملل نشان می‌دهد در پنج سال اخیر بخش بزرگی از مهاجران ماهر بعد از ۵ سال از نظر درآمدی موفق هستند ولی فقط حدود یک سوم از نظر معنایی و احساس تعلق به محل زندگی جدید رضایت دارند.

منبع: <https://www.un.org/en/global-issues/migration>

گزارش تازه موسسه بین المللی رشد انسانی نشان می‌دهد کشورهایی که سیاست فعال نگهداشت دانشجویان خارجی بعد از تحصیل داشته‌اند، رشد نوآوری داخلی‌شان بلندمدت‌تر بوده است.

منبع: <https://hdr.undp.org>

دولت آلمان اجرای نهایی کارت آبی مدل جدید را آغاز کرده. حقوق لازم برای ورود نیروهای متخصص پایین‌تر آمده تا شرکت‌های کوچک و متوسط هم بتوانند نیرو جذب کنند.
منبع: <https://www.bmi.bund.de>

کانادا در طرح جدید خود اعلام کرده نظام پذیرش مهاجران در چند سال آینده بیشتر متکی به نیازهای مهارتی واقعی استان‌ها می‌شود.

منبع: <https://www.canada.ca>

نیوزلند اعلام کرده روند ارزیابی پرونده‌های مهاجرتی دانش‌آموختگان ممتاز را سریع‌تر و سبک‌تر می‌کند.

منبع: <https://www.immigration.govt.nz>



نوشته‌اند. موضوعی که نشان می‌دهد حفظ پل‌های ارتباطی با وطن و خانواده می‌تواند عامل توازن باشد نه عامل عقب‌ماندگی.

منبع جامعه مهاجران: <https://www.sweden.se>

پژوهش دانشگاه توکیو نشان داده شناخت زبان و ارتباط جمعی با جامعه میزبان بزرگ‌ترین عامل کاهش فرسودگی روانی مهاجران است.

منبع: <https://www.u-tokyo.ac.jp>

تجربه مهاجران

تنفس ایران

تجربه جهانی نشان می‌دهد کشورهایی که برنامه رسمی «گردش دانش» با جامعه مهاجر خود داشته‌اند نه تنها آسیب مهاجرت نداشتند، بلکه در دهه بعدی کیفیت نوآوری داخلی آنها بهتر شد.

در ایران ظرفیت ایرانیان خارج، بسیار بزرگ و قابل محاسبه است.

گفتگوی درست درباره مهاجرت وقتی بالغ است که دوگانه «رفتن یا ماندن» را به مدل سوم تبدیل کند: رفتن برای یادگیری و بازگشت برای ساختن

در بحث‌های مهم هفته مهاجران در کره جنوبی، بسیاری از نیروهای متخصص از تنهایی و فاصله‌گیری اجتماعی شکایت دارند. کسانی که طی سال اول تلاش جدی برای ساخت حلقه دوستان محلی کرده‌اند فرسودگی کمتر داشته‌اند.

منبع جامعه مهاجران: <https://korea.net>

در مکزیک مهاجران متخصص از این می‌گویند که امنیت مالی بالاتر همیشه به معنای امنیت روانی نیست و بسیاری معتقدند تعریف «خانه» برایشان تغییر کرده و چندلایه شده.

منبع جامعه مهاجران: <https://www.gob.mx>

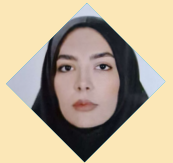
مهاجران در سوئد در هفته اخیر بارها روی مسئله «سوزاندن پل‌های قبلی» و پشیمانی از قطع کامل پیوند با وطن



سفر پی پایان

(جدول دانستنی‌ها با محور مهاجرت، فرهنگ و انسان‌ها در مسیر تغییر مرزها)

نویسنده و رشته تحصیلی: مریم مختاری- دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقا سلامت
راه ارتباطی: جدول را پر کنید برای ما ارسال کنید و جایزه بگیرید avizheh724@gmail.com



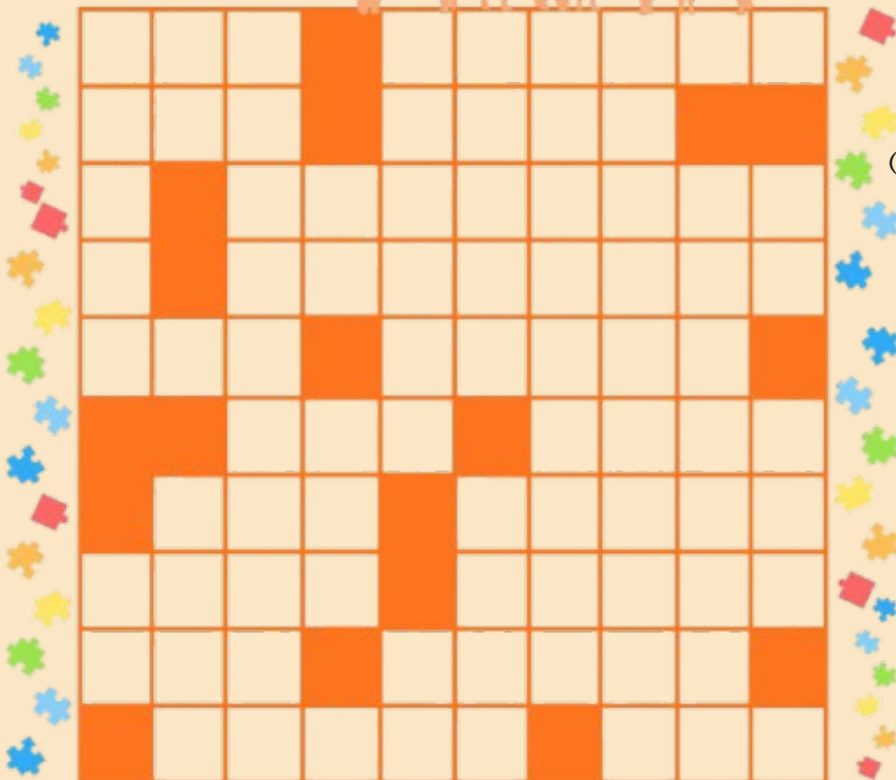
تعاریف جدول

افقی

فرایند جابجایی افراد از یک سرزمین به سرزمین دیگر
اصطلاحی برای خروج نیروهای متخصص از کشور
افرادی که به دلیل خطرات جانی از کشور خود می‌گریزند
واژه‌ای یونانی به معنای پراکندگی یک ملت در کشورهای مختلف
فرایند سازگاری فرهنگی مهاجران در جامعه جدید
مجوز ورود به یک کشور خارجی
عامل طبیعی که می‌تواند موجب مهاجرت شود
منطقه‌ای که مقصد مهاجران است
پدیده‌ای اجتماعی که مانع پذیرش مهاجران میشود
چیزی که کشورها را از هم جدا می‌کند اما در ذهن می‌تواند محو شود

عمودی

کسی که مهاجرت می‌کند
جابجایی جمعیت به دلیل کمبود منابع طبیعی
روند قانونی برای ورود و اقامت دائم در کشور دیگر
کشوری که مهاجر به آن وارد می‌شود
سازمان بین‌المللی حامی پناهندگان (مخفف انگلیسی)
وسیله‌ای برای عبور از مرزها
وضعیت اقامت دائم یا موقت در کشور دیگر
زبان، فرهنگ و سنت‌های مردم مهاجر
عامل روانی مهم در سازگاری فرهنگی
قاره‌ای با بیشترین مهاجرپذیری



زندگی برای زیستن در یک نقطه
نیست!

ما که می‌ترسیم از هجرت دوست
کاش میدانستیم روزگاری که بهم
نزدیکیم

چه بهایی دارد

و سفر یعنی چه ؟

و چرا مرغ مهاجر وقت پرواز
این چنین سخت به خود می‌لرزد؟



پاییز

نام دیگر دنیا است

دریاچه ی مهاجرت قو

پروا که می کند نشانه ی پرواز

تاوان آتشی که تاب می دهد

انسان

اکنون

چنان زلال می وزد از دریا

کز چاربند حواصیل

بال پریدن از تو بلند است

تاوان آتشی که تاب می دهد انسان

